

## متن پرسش

سلام، من دانشجوی مهندسی مکانیک هستم. ما در رشته ی خود بعضاً پژوهش هایی انجام می دهیم و نیز بعضاً طرح های صنعتی و غیر صنعتی مختلفی را در مصارف گوناگون مثلا تبدیل انرژی باد به برق، عملکرد بهینه ی ابزارالات، دستگاه های نقلیه ی جدید با استفاده از سوخت های پاک و... در خلال تحصیل و بعد از تحصیل، طراحی می کنیم. از زمانی که مباحث مربوط به مدرنیته شما را خوانده ام، کمی گیج و سردرگم شده ام. چرا که با اینکه مباحثی را که شما مثلا در کتاب فرهنگ مدرنیته و توهم یا گزینش تکنولوژی مطرح کرده اید، روحم به راحتی می پذیرد اما عقلم متحیر است. شما بسیار کلی گویی کرده اید و ابدا برای ما مهندسين و طراحان راهکار ارائه نداده اید. مثلا به تفاوت بلوک سیمانی و کوزه اشاره کرده اید و ما نیز آن را می پذیریم اما اصلا به اندازه کافی توضیح نداده اید. اصلا چرا این یکی حاصل انکشاف استعداد طبیعت است و آن یکی حاصل سرکوب طبیعت؟ واقعا چرا؟ ای کاش ابزارالات دیگری را هم نام می بردید و در این دسته بندی قرار می دادید. میتوانم حدس بزنم که مثلا بادگیر و کولر هم تفاوتی نظیر کوزه و بلوک سیمانی دارند. اما اگر کسی برایم ادعا کند که مثلا کولر هم حاصل انکشاف استعدادهای طبیعت است، چرا که اولاً از برقی استفاده می کند که از انرژی باد طبیعت بدست آمده و از این منظر کاملاً شبیه بادگیر است و ثانياً در ساختار کولر هم برای خنک کردن از تبخیر آب نظیر آنچه در جای جای مختلف طبیعت (حتی در ساختمان زندگی برخی مورچه ها) استفاده می شود، بهره می گیرد. یعنی مکانیزمی کاملاً طبیعی در یک حجم کوچک عمل می کند. حال این چه فرقی با بادگیرهای یزدی دارد؟ یا مثلا در مورد بلوک سیمانی هم می توان استدلالی به همین شکل اقامه کرد. با این مقدمه از شما تقاضای عاجزانه دارم به سوالات من به صورت موردی و همراه با توضیحات کافی پاسخ دهید: ۱- تفاوت دقیق کوزه و بلوک سیمانی چیست و اگر ادعا دارید یکی حاصل انکشاف استعداد طبیعت است و دیگری خیر، ادله کافی و وافی اقامه کنید. ۲- در گذشته هم ما مصالحی مانند بلوک سیمانی امروزه داشته ایم. مثلا شما آجر را در کدام دسته طبقه بندی می کنید. آجری که از دیرباز وجود داشته. آیا آن هم حاصل سرکوب کردن طبیعت است؟ چرا؟ ۳- آیا همه ابزارالات جدید در دسته بلوک سیمانی طبقه بندی می شوند، حتی مثلا دوچرخه؟ لطفا کلیدی معرفی کنید که این تمایز را به راحتی بتوان تشخیص داد. ۴- و سوال اصلی اینکه، آیا چون در عصر جدید بشر دیگر حتی بیش از حد نیاز خود ابزار دارد، ما مهندسين بهتر است از تولید ابزارهای بیشتر دست برداریم و خود و دیگران را ترغیب کنیم به استفاده درست از ابزارهای موجود؟ و یا اینکه نه، ابزارالات جدید روح مدرنیزم را در خود دارند و بشر نیاز به ابزارالاتی که حاصل انکشاف استعداد طبیعت باشد

دارد و ما باید سعی کنیم از این دست ابزارها را اختراع کنیم؟ اگر بله چگونه؟ (لطفاً اگر کتابی هم معرفی می کنید، از دادن پاسخ مستقیم دریغ نورزید). با تشکر از زحمات گرانقدرتان و با آرزوی توفیقات روز افزون برای شما و همکارانتان.

#### متن پاسخ

- علیکم السلام باسمه تعالی در مورد سرکوب نکردن استعدادهای طبیعت و کشف استعدادهای آن در مباحث «شیعه و تمدن‌زایی» مثال‌های بیشتری آورده شده. مثلاً مقایسه کنید بین قنات که با یک مهندسی دقیق آب زمین را به سوی مزرعه هدایت می‌کند با کندن چاه عمیق که موجب آسیب به سفره‌های زیرزمینی می‌شود. در موضوع کولر؛ شما مجبورید برای تهیه‌ی مقدمات آن، طبیعت را تخریب کنید تا آهن و برقی مورد نیاز آن را به دست آورید، ولی در بادگیر هیچ‌کدام از این تخریبات بر طبیعت تحمیل نمی‌شود. در مباحث «شیعه و تمدن‌زایی» عرض شده است برای عبور از تمدنی و رجوع به تمدنی دیگر با انبوه سؤالات روبه‌رو خواهیم شد که باید به همه‌ی آن‌ها جواب داده شود تا ذهن‌ها بتواند از تمدن گذشته عبور کند و تمدن جدید را بپذیرد. لذا پیشنهاد می‌کنم جهت جواب‌گویی به سؤالاتتان، کتاب‌های «گرینش تکنولوژی از دریچه‌ی توحیدی» و «علل تزلزل تمدن غرب» و جزوات تمدن‌زایی شیعه را مطالعه فرمایید. مهندسی همیشه قسمتی از زندگی بشر بوده، ولی اگر مهندسان ظرفیت‌های عالم را بشناسند علم خود را طوری در خدمت بشر قرار می‌دهند که موجب تخریب طبیعت و آزار روحی بشر نگردد. مقام معظم رهبری «حفظه‌الله تعالی» در دیدار خود با جمعی از نخبگان علمی کشور در تاریخ ۶/۸/۱۳۸۸ در عین تکیه بر روی علم و تحقیق، موضوع «شکستن مرزهای علمی موجود» را به میان می‌کشند تا جهت‌گیری علمی کشور مطابق فرهنگ دینی جلو رود. می‌فرمایند: «علم را اهمیت بدهید. این که من سال‌هاست روی مسئله‌ی علم، تحقیق، پژوهش، پیشرفت، نوآوری، شکستن مرزهای علمی موجود تکیه می‌کنم، به خاطر این است. بدون انواع دانش، اقتدار کشور امکان‌پذیر نیست. دانش اقتدار می‌آورد. یا درجایی دیگر می‌فرمایند: «ما وقتی می‌گوئیم پیشرفت، نباید توسعه‌ی بی‌مفهوم رائج غربی تداعی بشود. امروز توسعه، در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین‌المللی حرف رائجی است. ممکن است پیشرفتی که ما می‌گوئیم، با آن چه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده میشود، وجوه مشترکی داشته باشد - که حتماً دارد - اما در نظام واژگانی ما، کلمه‌ی پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب، نایستی اشتباه بشود. آن چه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه‌ی بی‌مفهوم غربی - با همان مختصات و با همان شاخصها - نیست.» (۲۷/۲/۱۳۸۸)